

(سن نیز) بود که در اواسط قرن پانزدهم بنا شد بود
 و دیگر دارالفنون آن که اساساً از کلیسای محکم تریو
 و آنرا در سنه (۱۳۲۶) گرسک فیلنپ برابانتسکی
 اساس گذاشت و کتابخانه دارالفنون را هم آتش زدند
 خلاصه از شهریکه دارای ۴۰۰ جمعیت بود
 و از قرن پانزدهم مرکز علوم و صنایع اروپا بشمار
 میامد بجز خاکستر و بعضی از آثار مهمله چهره
 بجای نماند (ترجمه از کتاب جنک عظیم -
 مترجم صدرافا و لئافا مجذافای نابرجا شافیک
 تلفافرانسسی و انگلیسی مدت جنک
 در پوکس و پوکوتان انگلیسی مسترنا کفرسون اعلامه
 داشت عده تلفات نظامی انگلستان در تمام
 میدانهای جنک با مستثنای تلفات هوایی
 با تمام تلفات قواچ هند وستان و مستعمرات

نادم نوامیر به ملیون و پانصد هزار نفر تا لایحه
 از عده مشر بود ۳۳۰۰۰۰ صاحب منصب
 و دو ملیون و نه صد هزار نایب بوده است
 عده مقبولین به ۶۰۰۰۰۰ نفر صاحب منصب
 و یک کرود و بیست ^{هزار} هشت صد و چهل و سه نفر نایب
 میباشد. عده تلفات فرانسه در مدت جنگ
 صد و بیست و شش هزار و هفتصد صاحب منصب
 و یک کرود و بیست و یک هزار نایب معوشد اند
 مجموع تلفات داردانی بجهت صاحب منصب
 و صد و یازده هزار نایب میباشد از عده
 هزار و هشتصد صاحب منصب و بیست و هزار
 نایب مقبول گردیده اند. تلفات میدان
 سالونیک هزار و دو بیست صاحب منصب
 و بیست و شش هزار نایب میباشد.

ثلغاث بین النهرین چهار هزار و بیست و صد حصه
 منصب و نود و سه هزار تا بین ثلغاث مصر
 سه هزار و شصت و صاحب منصب و بیجا
 چهار هزار تا بین میان شد

تقدیر شما بیست و نه سال در حق بود
 اکنون خاتمه کتاب ما بقصیده ذیل که جامع بیاد
 یافتن در بیم قدیم روس پس از خسارت و در بد
 بختی پاک طوس عرض نموده است با خورستان
 یسیرت من هکک کن بیست و نه سال در حق بود

والله معاندین دین و مخالفین شریعت اسلام
 در آنند بخوبی خواهد فهمید که الا یستأذینکم
 یعلو ولا یعلیٰ علیه

وادی سینا بی با و وحی منزلت
 بارگاه قبله هفت امام هشتاد و نه
 خدا

چندان بارگاہ بهتر از وادی طود
فرخا این پایگاہ بر تو از عرش برپ

يَا أَيُّهَا مَن رَوَّضَنِي وَاللَّهِ رَوَّضُ مَن بَعَثَنِي
بِأَيِّ ثَأْوٍ يَبْرُحِيَّتُمْ فَأَدْخُلُوهَا أَمِينِ

ایستاده موی حیوان ز یکسو بنده وار -

عیسی گمرون نشین بر تربتش شاهان

هر که خواهد گویا و مگر که خواهد گوید
هَذِهِ جَنَاتُ عَدْنٍ أَدْخُلْنَهَا الْبَارِعَاتُ

دشمنین خوانست این بنیانرا و پوران کند

از جفا بر بست شویش تو بیفایان نشین

تیرهای آتشین در گاه شد از بوم سردا

و خصم و جفت گرفتندی بجان ملحدان

لطف حق با تو مدد از ما کند زان پیش

کار از حد بیندازد سو دشمن باد و این

موسی عمران شنیدستی بد بیضا نمود
 زاده موسی بن جعفر زاید بیضا بیچین
 شاه اقلیم ولایت مظهر انا دخت
 آنکه نقش پرده از خشمش شدین شجر
 نیکلارا با مزاران قوت و دست که داشت
 قهر او افکند ناگه از کبر پرش بر زمین
 غافل از یاد ابودان تیره بخت بدسگال
 پشیم از قهر بردان بودان دیوانه
 عرصه بهر غم کی باشد بحال پیشگان
 روضه خلد برین نبود مقام مسکین
 میکلا گو تپس بازان کرد این کاخ منیع
 تپس بازان شد قناد از شوکت و لاج این
 ای که میگفتی چرا بد خواه بدین کیفیت
 خایا بنگو که دست حق بردن زاسنین
 شد بش

شورش رو پتہ بنگر نامہ پیشین بخوان
 بہن بجای نیکلا فرما روا آمد کہ بہن
 ہر کہ او پائل پیغمبر چنان دغا دار کرد
 بیگان در عاقبت پاداش او باشد چنان
 ملک پاید لاجرم با کفر لیکن گفتند
 ہی پاید ملک با ظلم و ستم کاوی و
 متعزز شد خاندان دومان اف رچی چنان
 پیدا کرد بدخواہ را پاداش شاہنشاه
 ای امام افسر جان ای پادشاہ آرض
 وی سلیل مصطفی سبط امیر المؤمنین
 شاہا بردر گھٹ ما کہ ہی وی بنا
 از وفا لطفی نما بر بندہ روزوا سپین
 سیدی اشفع لعیند بحرم راج فذاک
 لیسر لے عون و ظہر یا غیاث الیقین

ملحقاً کتاب امیرالطووس الثالث

و بپایان دوم پسر فیهدیج ستودایت ، تولدش
 در (۲۷) یانوار ۱۸۵۹ و او از قبیل هفتیان
 میباشد که سلسله خانوادہ سلطنتی بدان قبیل
 منتهی میشود این خانوادہ خانوادہ آمت کردک
 در حدود سال قبل از انقلاب روسیه بشا
 قیصر روسان مشهور بنام اسمیردین
 مجلس ایجاد کردی و بپایان منعقد شد پانزدهم ایول
 ۱۹۰۹ امیرالطووس مذکور در موقع تاجگذاری
 اظهار نمود که سلطنت اندوی پوتیک پدرش
 اداره خواهد کرد در اوائل سلطنت خود شکارها
 را بملکی به پسرمارک ارجاع داد و خود مشغول
 زیاد کردن قوای بحری شد در سن ۱۸۸۰ که در
 و بپایان پسرمارک درخ داد و این مطلب سبب شد

برای استعفاء دادن بیزنیا که از دزد و غارتگر از سطح
 و زارتی و بیزنیا را که بواسطه اینکه صاحب قدرت
 زاتی وجود ذهن بود و مخصوصاً در کارهای
 کشوری زای خود را مستقل میداشت منتفی
 مشهور شده بود بر (اهلین) کارهای عمده که
 در سنه ۱۰۹۷ با انجام دیدن او لا یاد نمود
 جوی (یک) بود برای زاحی مردم ^{تاریخ} آنها گفت
 بندر (کیا و جهاد) در تاریخ ۱۰۹۱ مملکت
 دم برابری و همسر با قوای بجز نگهشان
 بین اذان جهت که در علیات بحریه آنها
 خودشان نسبت با نگهبانها سهم و ذم
 میداشتند بعدها و بلم باضافه کردن قورخا
 واسطه پرداخت و این جنگ را که در سنه
 تمام عالم را شعله و گودانید ^{تست} میسجد و میداد

و قی خواہند آمد کہ مملکت المان پایہ ترقی و رشد
 بخدی رسد کہ تمام دول اروپ در تحت قانوں مجری
 و کی منقاد باشند و اقواعد خود را با آنها دیکتہ
 نمایند امیر اطوار المان چنان بنحو امید وارد
 مطبعتن بود کہ در ضمن یکی از نطقها لیش اظهار
 بنمایند ما المانها از هیچکس نمیسیم مگر از خدا

زادہ

ترجمہ از کتاب جنک عظیم - ترجمہ اقا میرزا علی نقی رودکی

مختصر شرح است انہ کلان

نہیکلای دوم پادشاہ مملوچ رویتہ از خانوادہ و
 اف میباشند و این خانوادہ از ابتدای تشکیل
 مطابق بودہ با ۱۳ فورال ۱۷۱۲ تا بحال میسند
 و ششال گذشتہ است و اول شخصی کہ از این خانوادہ
 بساطت رسید منجائیل فیدرویج بود کہ مدت
 سلطنتش ۳۲ سال طول کشید و در سن

چهل و نه سالگی وفات یافت و چون پسرش
 از کیشانش بزرگ بود دیگر کیشانش با وی مناسبت
 نموده میخواستند تا پادشاه نمودند در سن ۱۸۱۸
 با جمله پادشاهی این سلسله یادگشت تا رسید
 به نیکلای دوم پادشاه مخلوع و مقتول روسیه
 که او را پسر الکساندر دوم نوشته اند ، تولد نیکلای
 ششم مای ۱۸۶۸ بوده است و برادر بزرگ سلطنت
 بیشک ۲۰ آگوست ۱۸۹۴ مدت پادشاهی وی
 ۳۴ سال بوده از جمله وقایع مهمه که در موقوع
 تا جگزارش بوقوع پیوست هلاک چند هزار نفر
 از مردمان بود که از کثرت جمعیت تماشاگران در
 دست و پای پامال شدند ، بالاخره چنین پادشاهی
 با اقتداری بواسطه ظلم و ستمکاری ملکش از
 دست برفت که ابتداء سلطنت استبدادی او بند

نورانیست اشتراکی ۱۵۰۰ میتر بیشتر

مقدار زمین به صورتی در دسترس ۱۹۱۰ و در دهه

آنها در صورتی که متخیلاً اهدای منظور میسر

بسیار است که در صورتی که در زمینها و با آنکه

در صورتی که در این ایامی است (بسیار با اعلیٰ نقی)

بوشو یکی چون می بینند که قوانین فون

تجلی می رود و تمدنشان از سایرین بیشتر گردیده

مفاد است که این در پیش و گرا در آن شرح شده است

و اما در صورتی که این هم بقتل رسیده تمام و بیانات

بخارج و در پیشه را ترک میکنند حدها از سوسا

و اینها نیز با صاحب منصبان عین معنی و برد و

بیمت روئای بوشو یک کشته و توقیف میشود

اطلاعات رسیده است که امپراطورین مخلوع و در پیشه

تا چنان در خشن قتل رسیده است و همچنین عمر

نموده بودند که در آنکه دو ما اگر ما در امیر طو و خاور
 زانکه شد که ملاخان دستجات اجرا شود ثما گفت که
 و دستجات کاوه اجرا و اشکست داده و آنجا پست
 آخری جلو گیری نمودند در نتیجه این تعدد بها
 حکومتهای بیطرف در تمام عالم مشغولند که تمام
 ملت و بکها را از خاک خودشان طرد نمایند هیچ
 صحنی از این درد نیست نیست بنا بر بعضی انجام داده
 در صورتیکه حکومت بو استویک مدعی چنان است
 شخص حمله کننده یکفر سوسپال در چولسپون بود
 که بدارا و بختند (نقل از یکی از ابلاخیه های ^{مک} آنجا
 که در عا ^{انگلیس} شامبر ۱۹۱۸ اینوسداز شاکت نظامی
 مشرک ^{انگلیس} که پیدا ^{انگلیس} خور ^{انگلیس} کشنی
 یکفر ^{انگلیس} اصحاب ^{انگلیس} نصبان ^{انگلیس} دوس ^{انگلیس} که ^{انگلیس} شاکت
 نظر ^{انگلیس} بجهت ^{انگلیس} ها و ^{انگلیس} بد ^{انگلیس} بجهت ^{انگلیس} ها ^{انگلیس} این ^{انگلیس} که ^{انگلیس} بو ^{انگلیس} طن ^{انگلیس} خود ^{انگلیس} شاکت

متوجه پیدیده از حیثات خود دست شسته و با بر نیک
 بقتل خود اقدام نموده است گویا پس از خوردن گلوله
 هر دو با بعضی اجناس نداشتند و در آنجا دنیا را وداع گفتند
 و مکتوبی از او دیده اند که از پیش امدهای سه بکین
 وطنش اظهار ناله نموده و علت خود کشتی خود را
 همین امر شمرده است (نقل از شماره بهار سال دوم)
قسمتی از خستاد هشتاد و یک سال
 مجموع خساراتی که تا حال از بعضی نقاط خراسان
 از قبیل قوچان و سبزوار و درجز و کلات و تربت و تون
 و کاباد و غیره رسیده دو میلیون و چهار صد و
 چهل و شش هزار و دویست و شصت و یک تومان
 و صد قران است مجموع خسارات را بعد با ستانه
 مقدس در وقت عمارت دمان موافق صورتیکه اخیراً
 از طرف تولیت جلیله فرستاده شده است

تسکین و یکصد هشتاد و پنج بار تو می

میشود ، خسارات وارده مسجد گوهرشاد را از طرف

تولیت مسجدی یا نصد هزار و سیصد و هشتاد

(نقل از کتاب چهار سوره شاد و بهار)

بعد از گلوله های توپ بولطرف کرنا

که بکند مطهر دیگر مواضع مستند

زده شده است ، گنبد مطهر آنچه تشخیص داده شد

(غیر از گلوله های توپ بولطرف گلوله کرنا ^{عده} بقنده

ایوان طلای مسجد جامع - گلوله کرنا ^{عده} بقنده

ایوان مقصوده مسجد جامع - گلوله کرنا ^{عده} بقنده

سور ایوان سخن جدید - گلوله کرنا ^{عده} بقنده

سردسار خانه خدام - یازده ^{عده} بقنده

گنبد مسجد جامع - گلوله کرنا ^{عده} بقنده

ساعت سخن جدید و حقیق و همچنین ایوان عبان

کسی که در این سالها یکی دیگر چند نفر خالی شده که
 برای فاشی و دار زار و وعده گلوله های توپ
 بواسطه اطراف مسجد و همچنین خالی شده از تحت

اصحابه خارج بوده است
 در این روزها در این نظمیست با این که
 مجلس و شماره ۱۲۳۰

امروز صبح نه ساعت با قناب مانده پلیسها کپسک
 شب کپسک خیابان سفلی که در گشت بودند و
 چند نفر پلیس در کپسکی سر بود قراول بودند
 از پشت بام کادوان سزای جنب کپسک که بوده
 کس است غفله قوی کپسک شلیک کرد یک
 گلوله از نیم شده نایب و شلو او او گذشت لباس را
 سوزان نمود و در میشود و بعد بضر بندان
 تفنگ سزایب را بخرج کرده دو نفر پلیس قراول

راه گرفته و بیم تلفون را هم قطع کرده و آنچه آنها
 بوده غارت نموده بودند و تازه ناپیکر قدوکا استعدا
 از کپسول عیدگاه و نوغان بکاک فرستاده آنها
 کار خود را دیده بتوی بست رفکه بودند قدوکا
 متحیر است که با یکصد نفر بایس حاضر کشید که بکاک
 و بیم حقوقش نرسیده و گریه است شهر را منظم
 ندارد تا کپسولها را حفظ نماید تا نواقل
 از دروازهها بگیرد تا دفاع کنند آن هم محدود و چه
 تکلیفی انقلاب خراسان و این هم که شفاها
 میفرمایند اگر نادر داخله بست هستند نباید
 متعرض شد چنانچه خارج شدند یا باید سنگباری کرد
 اولاً این مسئله استعداد کامل لازم دارد تا آنها
 در صورتی این مقصود حاصل میشود که قوای
 نظریه در اطراف بست مهیای انجام همین عمل

باشد و در حقیقت حاضر نماید که اینکه این کارها
 هم بخواهد انجام دهد و هزار تکلیف دیگر هم داشته
 باشد صرفاً عرض میکند که اگر وضع بهین صورت
 و بهیچ وجه اقدامی نشود پلیرها منفرق و اذازه ^{نظم}
 بکلی مختل و رشته انظام شهر هم که بهین صورت
 باقی مانده بکلی گسسته خواهد شد.

(نقل از شفاء جرید طوس تاریخ یکشنبه ۲۳ ع، یادداشت
 سید فریدالدین خراسانی قونسولگری در
 قمینا نگلیس بکارگزاری خراسانی
 ۴ ربیع الاول ۱۳۳۰ هجری قمری)

جناب جلال‌الکتاب دوستان اظهار مشفقانه
 محرمه میفرمایند اینک با کمال توفیق و نهایت اخلاص
 زحمت اطلاع میدهد از آنجا اینکه این دو سند
 مستحضر شده است هنوز بعضی اشخاص در اطلاع

در اسنانه مقدسه اجتماع عذارند و محرکین آنها
 را با بن خیال متیقن کرده اند محمد علی میرزا بخت
 سلطنت ایران جلوس خواهد نمود لهذا اصلت
 دانسته که دفع این خیال را کرده آن دو ستار را مطلع
 می نمایم که چهاردهم فروردی مطابق بیست و پنجم
 جهت این دو ستار تلگرافی بقرار ذیل از جناب اجل
 اکرم انجم وزیر مختار دولت فخره انگلیس مقیم طهران
 واصل شده و جناب معظم الیه بدو ستار اطلاع دادند
 مطابق دستور العلی که بجناب تونسول روس مقیم
 امشرا باد داده شده بود جناب معز الیه که محمد علی
 میرزا را ملاقات کرده و مطلع نموده است که
 دولتین ذیل دولت فخره انگلیس دولت بهیبه
 روس خواهش کرده اند که از ایران حرکت نمایند
 باین شرط که دولت علیه ایران وظیفه جهه

محترم مهربان را با نهایت احترامات و افتخارات
 آنرا پیشبرد چند بیت جمعی که از قبل بحمد
 قطاع الطريق و بوسفغان مرانی و غیره که
 عده شان بالغ بر یکصد نفر مردمان مسلح میباشد
 خیالشان بر مسافرتی در وقت چرخ و پیکر نیست استانه
 مقدسه را کامن و پناه گاه برای خود قرار داد
 مسکن را از عبور مردمان محل مانع نمیشوند
 و غالب مردم را (تهدید) میکنند کلیه اتباع دولت
 از این مسئله شاکت هستند و نیز بواسطه اشغال
 فوق بکلی سلب نیست که از اتباع دولت بهر جهت
 چون غالب تجار روس در میان بست دکان دارند
 و غالباً مال التجاره شان در آن محل میباشد علی
 هذا بودن این اشخاص در میان بست بهر جهت
 صلاح نیست و در مرانی احتمال خاطر موجود است

بموجب این مراسله جدا و ایکدا بتوسط آن جناب
 جلالتاب از ایالت خواستار است که مقدر بشود
 در طرف امر و ذوق و فرذا اشخاص مزبور را دستگیر
 از اسنانه بیرون نمایند که باین وسیله اسباب
 رفاهیت و اشائش عموم و امنیت شهر حاصل گردد
 ذیاده زحمتی ندارد و همواره احترامات فائمه
 را تجدید مینماید (کنیاز دا بیضا) الحق
 سیانای این مدام بالنبی قاسم علی صاحب
 جناب سنطاب شریعتدار اقا سید محمد یزدی
 چون بوسیله جنرال قو قسولگری روس برای
 خود و اشخاصی که در مسجد اجتماع نموده بودند
 نامین نامه خواسته بودید لهذا بموجب این
 مشر و حه بشما انظار میشود چنانچه از ساعت
 وصول این مشر و حه تا بیست چهار ساعت دیگر

بجمعیین مسجد خارج و مشرق شدند محفوظ و
 اسوده خواهند بود و ابتدا نماز استخوانها
 بعد از بیست و چهار ساعت هر کس اینها
 مجتمع باشد متمرّد و مقصود و ناسک و ایاکت
 تکالیف مقررّه دفار خواهد نمود (دکن الوداع)
 ماده نهمی است که جناب مستطاب بکانه دان
 آقای بذایع نگار اسنان قدس جامع بهیار دستان
 این بقعه عرش پنهان سروده اند
 که قد شاه رضا بهار دیده است انقلاب
 از غفور و عزیزی و ذاذبک و دیگر فریق
 سیکر اسکفری داده پس از عهد دان
 لیک زد چون برق بر خورگاه (دومانف) حرق
 که چون بود اسپه (اسلاو) بر کساح رضا
 همچنان پیلان غام الفیل بر بیت عتیق

در میان آمد جوانی (نیکلان) نارنج شد
 طوس مگر بوسفت بجای تویش ^{مخفی}
 انبی فرعون اگر بر کاخ موسی زاده زد
 هم کف بر گشت در در پای بد ^{مخفی}
 بجد آورد ارگوله بر ضریح شاه دین
 باز گشت و کشور خود را افکند ^{مضیق}
 ازا با بیل جنود حق بدیگر مثال و مه
 (نیکلان) چون با سچیل سپهر ^{مخفی}
 ای رضا که خورد بدی خوب دادی انتقام
 دشمنانت زایین کیفر ترا ورده شهرت
 ای غلامان امامت شادمانه بنگرید
 تاج بگرفتند و بخشیدند امامان طریقت
 بر بدایع گشت الهام این درنا بچ شکفت
 نابرون آورد در معنی از بحر عمیق

از بی چنین است یا دانش ظلم و همین است پیغمبر ^{سنت}
و بحقیقت صدق معنی این حدیث

تَحْنُ بَنُو عَبْدِ الْمُطَّلِبِ مَا عَادُوا بَيْتَ الْأَوْقَدِ
حَرِبَ وَمَا عَادُوا أَنَا كَلْبُ الْأَوْقَدِ حَرِبَ

که پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود که
برجها نیا ن خاصه بر مسلمانان راست نامد

و پنجسال از حد و مشایخ واقع پیش نگذاشت

که مملکت بدان عظمت رو سینه تجزیه شد

روح دیانت و باطن شریعت نیکو پادشا

مستبد روس را از تخت سرنگون و بدیاد

عدمش رهنمون نمود کجا رفتن از مستبد

مفرودی که خود را مالک رقابا تم پنداشت

نخوت لیکاوسی بر سر داشت و غشون ^{رس}

دراوا نل محرم هزار و سیصد و سی

با تو بخانه و تو در خانه و شیو و و کوس و ارد و ارض
 طوس گردیدند و اخیراً ماه ربیع ذابرمسکلمانان
 ظلم ماه خون و ماتم قرار دادند تا بشنود و بلیغ
 انجام ما حکم مناسبت مقام سرورده است
 مرغی دیدم نشسته بر ناره طوس
 در پیش نهاد که کله کیک و کوس
 با کله می گفت که افسوس افسوس
 کو با ناک جو کسها وجه شد ناله کوس
 اکنون اجمالاً انجام کلام داید که بعضی از مطالب
 مهمه را جمع تغییرات قلم منوره و مشهوره قد
 و خواستن مأمون امام همام (علی الرضا)
 علیه السلام از عهد پیش بدین خطه پاک برای
 تفویض ولایت عهد موشح گردانیم تا بحقیقت
 دست گفتن باشیم **بِحَضْرَتِكَ فِي ذَلِكَ**